


الگوی تحلیل مسیر روابط میان تصور از خود، تصور از خدا و رضایت از زندگی

احمد امیدی / دانشجوی دکتری روان‌شناسی مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی *

 orcid.org/0009-0002-3458-334X

omidi.ahad@gmail.com

biria1390@gmail.com

hamidrafii2@gmail.com

m.r.ahmadi313@gmail.com

محمدناصر سقایی بی‌ریا / استادیار گروه روان‌شناسی مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی *

حمید رفیعی هنر / استادیار گروه اخلاق و معنویت پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی

محمدرضا احمدی / دانشیار گروه روان‌شناسی مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی *

دریافت: ۱۴۰۳/۰۳/۲۴ - پذیرش: ۱۴۰۳/۰۶/۱۶

چکیده

پژوهش حاضر با هدف بررسی نقش واسطه‌ای «تصور از خدا» در رابطه «تصور از خود» و «رضایت از زندگی» صورت گرفته است. روش پژوهش از نوع «توصیفی - همبستگی» و جامعه آماری تمام دانش‌پژوهان مقطع کارشناسی ارشد مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی * بودند که از بین آنان ۱۵۳ نفر به روش «نمونه‌گیری تصادفی خوشه‌ای» با واحد نمونه گروه کلاس انتخاب شدند. برای جمع‌آوری اطلاعات از سه پرسشنامه «تصور از خود» بک (BSCT)، «تصور از خدای» گرینوی (RSI)، و «رضایت از زندگی» داینر (SWLS) استفاده شد. اطلاعات به دست آمده از طریق الگویی معادلات ساختاری (SEM) با استفاده از رگرسیون چندگانه به شیوه سلسله مراتبی با بهره‌گیری از مراحل پیشنهادی بارون و کنی (۱۹۸۶)، تجزیه و تحلیل گردید. یافته‌های برآمده از تحلیل مسیر نشان داد متغیر «تصور از خدا» در رابطه میان «تصور از خود» و «رضایت از زندگی» نقش واسطه‌ای دارد. افزون بر آن تصور از خود به طور مستقیم پیش‌بینی مثبت و ضعیفی از رضایت از زندگی دارد، به طور غیر مستقیم از مسیر متغیرهای حضور و یاریگری خداوند پیش‌بینی مثبت و معناداری بر روی رضایت از زندگی ارائه می‌دهد و از مسیر متغیر تصور منفی از خداوند، پیش‌بینی منفی بر روی رضایت از زندگی دارد. بنابراین نتایج حاکی از تحلیل مسیر، بیانگر معناداری نقش واسطه‌ای تصور از خدا در رابطه میان تصور از خود و رضایت از زندگی بود.

کلیدواژه‌ها: تصور از خود، تصور از خدا، رضایت از زندگی.

در سال‌های اخیر پژوهش‌های زیادی در زمینه «بهزیستی فاعلی» انجام گرفته است (دینر، اسکولون و لوکاس، ۲۰۰۳). بهزیستی فاعلی دارای دو مؤلفه شناختی و عاطفی است. «مؤلفه عاطفی» متضمن احساسات مثبت و منفی و «مؤلفه شناختی» متضمن نوعی ارزیابی با قضاوت است. وقتی این فرایند ارزیابی‌شناختی درخصوص زندگی به‌مثابه یک کل انجام گیرد اصطلاح «رضایت از زندگی» به کار می‌رود (پاووت و دینر، ۲۰۱۳، ص ۱۳۵).

رضایت از زندگی جامع‌ترین ارزیابی افراد از زندگی خود در نظر گرفته می‌شود (دینر، ۲۰۰۰) و یک فرایند داوری است که در آن کیفیت زندگی بر اساس ملاک‌های منحصر به فرد ارزیابی می‌شود (شیخی و همکاران، ۱۳۹۰). افراد هنگامی سطوح بالای رضایت از زندگی را تجربه می‌کنند که شرایط زندگی‌شان با ملاک‌هایی که برای خود تعیین کرده‌اند، مطابقت داشته باشد (دینر، اویشی، لوکاس، ۲۰۰۳). کسانی که رضایت از زندگی بالایی دارند ارزیابی مثبت‌تری از زندگی دارند و رویدادهای زندگی را به نحو مطلوب ارزیابی می‌کنند. اما افرادی که رضایت از زندگی پایینی دارند، نسبت به خود، گذشته و آینده نگاه منفی دارند و زندگی خود را نامطلوب ارزیابی می‌کنند و هیجان‌های منفی بیشتری را تجربه می‌نمایند (ایل‌بیگی، الهی‌مجد و قاسمپور، ۱۳۹۷).

پژوهش‌های روان‌شناختی بسیاری به بررسی عوامل تأثیرگذار بر رضایت از زندگی پرداخته‌اند (سوزا و لیوبومیرسکی، ۲۰۰۱). از جمله این عوامل می‌توان به «مذهب و سلامت روانی» (ویلیتس و کرایدر، ۱۹۸۸)، «عوامل شخصیتی» (امونس و دینر، ۱۹۸۵)، «تعامل اجتماعی» (گیسون، ۱۹۸۷)، «خوش‌بینی و معنویت‌گرایی، خودآگاهی» (آدلر و فاگلی، ۲۰۰۵) و «تصور از خود» (میلر، زیونسکا، کاکمار، ۲۰۱۹؛ پالاسیوس، اکتیز، فرناندز، بارون، ۲۰۱۵) اشاره نمود. در میان تمام متغیرهایی که در ارتباط با رضایت از زندگی بررسی شده، متغیر «تصور از خود»، همواره با «رضایت از زندگی» در ارتباط بوده است (لیانگ و همکاران، ۱۹۹۲، ص ۶۵۴).

«تصور از خود» به مجموعه‌ای از احساسات و برداشت‌های فرد از خویشتن اطلاق می‌شود که این خویشتن ادراک شده، هم بر ادراک فرد از جهان و هم بر رفتار او تأثیر می‌گذارد (پورسید آقایی، ۱۳۹۴، به نقل از: بیرن، ۱۹۸۴) و یک کل استنتاجی است که فرد درباره خودش می‌سازد (بامیستر، ۱۹۹۷) که از نظر عینی، مهارت‌ها و خصوصیات و توانایی‌های خود را بیان و توصیف می‌کند (واتس لوند و آرچر، ۲۰۰۱). تصویری که فرد از خودش می‌سازد ممکن است مثبت یا منفی باشد. در تصور مثبت، فرد خود را با نقاط قوت و ضعف می‌پذیرد و تصور منفی موجب احساس بی‌ارزشی، بی‌کفایتی و ناتوانی در فرد می‌شود (ملازمانی و فتحی‌آشتیانی، ۲۰۰۸).

افرادی که سطح تصور پایینی را از خود گزارش می‌دهند نشانه‌هایی همچون اضطراب، افسردگی، احساس تنهایی و کم‌رویی را از خود بروز می‌دهند که با کاهش رضایت از زندگی همراه است، و افرادی که تصور بالایی نسبت به خود دارند، در مقابل انواع تنش‌ها، فشارهای روانی، حوادث و مشکلات ناگهانی مقاوم و پایدار خواهند بود که این با افزایش رضایت از زندگی همراه بوده است (نجات و همکاران، ۱۳۹۳، ص ۷۹).

لیانگ و همکاران (۱۹۹۲) در پژوهشی این نتیجه رسیدند که بین تصور از خود و رضایت از زندگی در بین جوانان رابطه معناداری وجود دارد. میلر، زیونسکا و کاکمار (۲۰۱۹) نشان دادند بین تصور از خود و رضایت از زندگی ارتباط معناداری برقرار است. پژوهش‌های صورت گرفته حاکی است افراد برای اینکه رضایت از زندگی را تجربه کنند نیازمند تصور مثبتی از خود داشته باشند (داینر، ۱۹۸۵؛ لیانگ و لیانگ، ۱۹۹۲، ص ۶۵۴).

یا اینکه پژوهش‌های بسیاری رابطه معنادار «تصور از خود» با «رضایت از زندگی» را گزارش نموده‌اند، اما سازوکار این ارتباط هنوز چندان روشن نیست. یکی از متغیرهای واسطه‌ای که به نظر می‌رسد می‌تواند در این تعامل نقش داشته باشد متغیر «تصور از خدا» است. «تصور از خدا» یک الگوی درونی روان‌شناختی از تصورات افراد درباره خداست (لارنس، ۱۹۹۷)؛ حالتی روان‌شناختی که به چگونگی احساس فرد نسبت به خداوند و برداشت و درک فرد مبنی بر چگونگی احساس خداوند نسبت به وی مربوط می‌شود (گریمز، ۲۰۰۸).

در صورتی که سخن از شناخت افراد و شخصیت ایشان در میان باشد و بخواهیم سازه‌ای روانی انتخاب کنیم تا با بررسی آن به بسیاری از خصایص روانی افراد پی ببریم، تصور فرد از خدا بسیار مهم است (لارنس، ۱۹۹۷؛ به نقل از: برآبادی، ۱۳۹۴، ص ۷۲).

پژوهش‌های نجات و همکاران (۱۳۹۳) حاکی از آن است که «تصور از خود» زمینه شکل‌گیری تصور از خداست. مطالعات هاید (۱۹۹۰)، دیکی و همکاران (۱۹۹۹) و بنسون و اسپیلکا (۱۹۹۷) بیانگر آن است که تصور از خدا با الگوی ذهنی فرد از خود و - در واقع - تصور از خود در ارتباط بوده و تصور هر شخص از خدا می‌تواند بر اساس تصور فرد از خویش ساخته شده باشد (صادقی و مظاهری، ۱۳۸۷).

همچنین پژوهش‌های متفاوتی درباره رابطه تصور از خدا با رضایت از زندگی انجام گرفته است. کرکپاتریک و شیور (۱۹۹۲) در پژوهش خود به این نتیجه رسیدند که داشتن تصور مثبت از خداوند، با رضایت بالا از زندگی، کاهش اضطراب، افسردگی و بیماری‌های فیزیکی همراه بوده است. فیض‌آبادی و خسروی (۱۳۸۸) در تحقیقی به مقایسه تصور از خدا و رضایت از زندگی در بین زنان خواهان طلاق و غیر خواهان طلاق پرداختند و نشان دادند بین تصور از خدا و رضایت از زندگی رابطه معناداری وجود دارد.

کاشفی و کوهسار (۱۳۹۴) در پژوهشی دریافتند دانشجویانی که تصور پذیرنده و مثبتی از خدا داشتند رضایت از زندگی بیشتری داشتند و دانشجویانی که دارای تصور منفی و تعارض‌آمیزی از خدا بودند رضایت از زندگی کمتری داشتند.

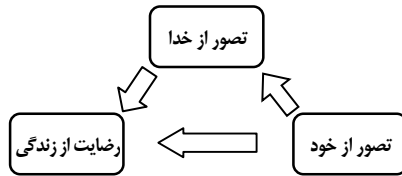
با توجه به نتایج تحقیقاتی که به آن اشاره شد، به نظر می‌رسد تصور از خدا می‌تواند نقش واسطه‌ای در رابطه میان تصور از خود و رضایت از زندگی داشته باشد. در ارتباط با چگونگی واسطه‌گری تصور از خدا می‌توان گفت: اشخاصی که تصور منفی و پایین از خود دارند، خداوند را به صورت منبعی از خشم، قهر و انتقام کامل می‌شناسند و انسان را گناهکاری در حال سقوط و اسیر دستان این خدای غضبناک تصور می‌کنند. شناخت خدا در این الگو، خواسته یا ناخواسته ترسناک و اضطراب‌آور است. افرادی که بر اساس این الگو با خدا ارتباط برقرار می‌کنند، روز به روز از سلامت روانی خود دورتر می‌شوند و رضایت از زندگی پایینی را تجربه می‌کنند.

در مقابل، در الگوی دیگر، افرادی که تصور مثبت و بالایی از خود دارند، خداوند را بخشنده و دوست خود می‌دانند و با او از طریق برقراری رابطه‌ای عاشقانه، ملاقاتی صمیمانه و گرم به عمل می‌آورند و در نتیجه، بهداشت روانی و رضایت از زندگی بالاتری را گزارش می‌دهند (پارگامنت، ۱۹۹۷).

چون ارتقای سطح زندگی و بهبود کیفیت زندگی افراد جامعه مستلزم شناسایی عوامل مؤثر بر رضایت از زندگی است، با بررسی دقیق پیشینه پژوهشی، با وجود اهمیت موضوع رضایت از زندگی، پژوهشی در داخل و خارج که مستقیماً به بررسی روابط بین متغیرهای تصور از خود، تصور از خدا و رضایت از زندگی پرداخته باشد، یافت نشد.

پژوهش‌های موجود پالاسیوس، اکنیز، فرناندز و بارون (۲۰۱۵)؛ چانگ و سنیتا (۲۰۰۳)؛ فیض‌آبادی و خسروی (۲۰۰۹)؛ کاشفی و حدادی کوهسار (۱۳۹۴) بیشتر به روابط دومتغیری و همبستگی صرف اشاره داشته و در این پژوهش‌ها تبیین نشده است که آیا تصور از خود نقشی مستقیم در پیش‌بینی رضایت از زندگی دارد یا از طریق انطباق با تصور از خدا به طور غیر مستقیم موجب رضایت از زندگی می‌شود؟ و در این فرایند، کدام متغیر نقش مهم‌تری ایفا می‌کند؟ بنابراین، بر اساس الگوی پیشنهادی پژوهش، هدف این تحقیق بررسی نقش واسطه‌ای تصور از خدا در رابطه با تصور از خود و رضایت از زندگی بوده و به دنبال ارائه الگویی برای تبیین رضایت از زندگی (شکل ۱) است.

شکل ۱: الگوی واسطه‌ای برای متغیرهای تصور از خود، تصور از خدا و رضایت از زندگی



روش پژوهش

پژوهش حاضر «توصیفی» از نوع همبستگی مبتنی بر تحلیل مسیر است. متغیر «تصور از خود» به‌منابه متغیر برون‌زاد و متغیر «رضایت از زندگی» به‌منزله متغیر درون‌زاد و «تصور از خدا» به‌عنوان متغیر میانجی در نظر گرفته شد. به منظور ارزیابی الگوی پژوهش، داده‌ها با روش «تحلیل رگرسیون چندگانه» به شیوه سلسله مراتبی و روش «الگوسازی معادلات ساختاری» با بهره‌گیری از نرم‌افزار آماری SPSS تجزیه و تحلیل گردید. جامعه آماری این پژوهش قریب ۲۵۰ تن از دانش‌پژوهان مقطع کارشناسی ارشد مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی علیه السلام بودند که بر اساس جدول مورگان ۱۵۳ تن به روش «تصادفی خوشه‌ای» با واحد نمونه گروه کلاس انتخاب شدند. میانگین سنی نمونه‌ها قریب ۲۸/۷ و انحراف استاندارد ۴/۲ بود.

ابزارهای پژوهش

داده‌های پژوهش از پاسخ‌های شرکت‌کنندگان به آزمون‌های ذیل به دست آمد:

پرسشنامه «تصور از خود» بک

پرسشنامه «تصور از خود» توسط بک (Beck) و همکاران در سال ۱۹۷۸ بر اساس نظریه شناختی بک تهیه گردیده و دارای ۲۵ ماده است. این ۲۵ ماده شامل قیافه، معلومات، آزمندی، حافظه، بذله‌گویی، هوش، محبوبیت،

جاذبه جنسی، شخصیت، تنبلی، خودخواهی، وضع ظاهر، خوش خلقی، استقلال، مرتب و پاکیزه بودن، موفقیت، مهربانی، یادگیری، حسادت، سختکوشی، توانایی خواندن، به اتمام رساندن کارها، هشیاری از خود، ورزشکاری، و بی‌رحمی است. هریک از مواد براساس روش درجه‌بندی شامل ۵ اظهار نظر است که این اظهار نظرها از «کاملاً مثبت» تا «کاملاً منفی» درجه‌بندی شده و آزمودنی در هر ماده یکی از آنها را انتخاب می‌کند. سؤالات پرسشنامه بر اساس ارتباط آنها با «تصور از خود» از ۱ تا ۵ نمره‌گذاری می‌شود. بدین‌سان کمترین نمره‌ای که آزمودنی در این مقیاس به دست می‌آورد ۲۵ و حداکثر آن ۱۲۵ خواهد بود.

بر اساس تحقیقات بک و همکاران (۱۹۹۲) این مقیاس ۵ جنبه از ویژگی‌ها را بررسی و اندازه‌گیری می‌کند که عبارتند از: توانایی ذهنی، کارآمدی شغلی، جذابیت جسمانی، مهارت‌های اجتماعی و عیب‌ها و حسن‌ها. به عقیده مؤلفان نحوه توصیف افراد در زمینه‌های مزبور با یکدیگر در زمینه‌های متفاوتی است (بک و همکاران، ۱۹۹۲). ضریب اعتبار $0/88$ و $0/65$ را با استفاده از روش «آزمون-آزمون مجدد» به ترتیب پس از یک هفته و سه ماه فاصله زمانی گزارش شد. همچنین ضریب همسانی درونی برای این مقیاس $0/80$ گزارش شده است. محققان اعتبار این پرسشنامه را با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ برای مردان افسرده $0/80$ ، زنان افسرده $0/76$ ، مردان مضطرب $0/75$ ، و زنان مضطرب $0/78$ ، گزارش دادند.

در ایران در مطالعه‌ای روی دانشجویان، اعتبار این آزمون را با استفاده از روش آلفای کرونباخ $0/79$ گزارش کرده است. همچنین در این پژوهش، ضریب آلفای کرونباخ $0/85$ است.

پرسشنامه «تصور از خدا»

پرسشنامه «تصور از خدا» از مقیاس «وضعیت مذهبی» (RSI) گرینوی (۲۰۰۳)، از گزینه‌هایی که مربوط به خداوند بوده اقتباس و به کار گرفته شده است (گرینوی، میلن و کلرک، ۲۰۰۳). این آزمون شامل ۲۷ سؤال و سه خرده‌آزمون «حضور خدا در زندگی» (سؤالات ۱ تا ۱۱)، «مراقبت خداوند» (سؤالات ۱۲ تا ۲۱) و «تصور منفی از خداوند» (سؤالات ۲۲ تا ۲۷) است. خرده‌آزمون‌های «حضور خدا در زندگی» و «مراقبت خداوند» با هم ترکیب شده و مقیاس «تصور مثبت از خدا» را تشکیل داده‌اند. بنابراین در نهایت، پرسشنامه از دو مقیاس اصلی «تصور مثبت از خدا» و «تصور منفی از خدا» تشکیل شده است. نمره‌گذاری این آزمون به شیوه لیبرت است. بدین‌سان سؤال‌های ۴، ۶، ۸، ۹، ۱۱ از سمت راست از ۱ تا ۵ و بقیه سؤالات به صورت معکوس نمره‌گذاری می‌شوند.

این پرسشنامه توسط خسروی (۱۳۸۴) ترجمه شده است. کلاین (۱۹۹۳) پایایی درونی سه خرده‌آزمون «حضور خدا در زندگی»، «مراقبت خداوند» و «تصور منفی از خدا» را به ترتیب $0/86$ ، $0/82$ و $0/69$ به دست آورده و آن را نشانه پایایی درونی خوب این آزمون می‌داند (گرینوی، میلن و کلرک، ۲۰۰۳). خسروی و فیض‌آبادی (۱۳۸۸) پایایی پرسشنامه را با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ برای زیرمجموعه‌های «تصور منفی از خدا» $0/76$ ، «تصور مثبت از خدا» $0/85$ ، «حضور خدا در زندگی» $0/83$ و برای کل پرسشنامه $0/79$ و نتیجه «آزمون-آزمون مجدد» را $0/79$ گزارش کردند.

همچنین برای بررسی روایی پرسشنامه، از روش «روایی همزمان» استفاده کردند و همبستگی پرسشنامه «تصور از خدا» را با پرسشنامه «نگرش‌های مذهبی» خدایاری فرد محاسبه کردند و ضریب همبستگی به دست آمده را برابر ۰/۶۷ گزارش نمودند که معنادار است (خسروی و فیض‌آبادی، ۲۰۰۹).

در پژوهش حاضر، ضریب آلفای کرونباخ برای کل پرسشنامه ۰/۶۸ و برای خرده‌مقیاس‌های «حضور خداوند»، «یاریگری خداوند» و «تصور منفی از خدا» به ترتیب ۰/۷۰، ۰/۷۷، ۰/۵۳ به دست آمد. پرسشنامه «رضایت از زندگی»

پرسشنامه «رضایت از زندگی» مقیاسی پنج‌گویه و تک‌عاملی است که توسط دینر و همکاران (۱۹۸۵) برای قضاوت کلی فرد از رضایت از زندگی طراحی شده است (مک‌کاله و همکاران، ۲۰۰۲). پرکاربردترین ابزار اندازه‌گیری «رضایت از زندگی» است که در بیش از چهارهزار مطالعه، مورد استفاده قرار گرفته و در کشورهای زیادی، از جمله برزیل، کانادا، چین، چک، هنگ‌کنگ، ایرلند، نروژ، پرتغال، روسیه، اسپانیا، سوئد، تایوان، مالزی، لبنان و ترکیه به کار گرفته شده است (شیخی و هومن، ۱۳۸۹، ص ۱۹، به نقل از: سالاروند و همکاران، ۱۳۹۴، ص ۷۸).

پنج گویه این مقیاس بر اساس مقیاس لیکرت هفت درجه‌ای از ۱-۷ «کاملاً مخالفم» تا «کاملاً موافقم» پاسخ داده می‌شود. دینر و همکاران (۱۹۸۵) پایایی بازآزمایی پرسشنامه را با فاصله زمانی دو ماه ۰/۸۴ گزارش کردند. پاووت (Pavot) و دینر (۲۰۰۸) پایایی بازآزمایی مقیاس را با فاصله زمانی یک ماه ۰/۸۴ و آلفونسو (Alfonso) و دیگران (۱۹۹۲) با فاصله زمانی دو هفته ۰/۸۳ گزارش کردند (اصفهانیان، گلزاری و براتی سده، ۱۳۹۵، ص ۱۱۱).

اعتبار و روایی این پرسشنامه در ایران، توسط بیانی و کوچکی بر روی ۱۰۹ دانشجوی دانشگاه آزاد اسلامی واحد آزادشهر انجام گرفت و اعتبار آن با استفاده از روش آلفای کرونباخ ۰/۸۳ و با روش بازآزمایی ۰/۶۹ به دست آمد. روایی سازه پرسشنامه از طریق «روایی همگرا» با استفاده از «فهرست شادکامی» آکسفورد و فهرست «افسردگی» بک برآورد شد (سالاروند و همکاران، ۱۳۹۴، ص ۷۸). در پژوهش حاضر، ضریب آلفای کرونباخ ۰/۷۵ به دست آمد.

یافته‌های پژوهش

در این بخش ابتدا یافته‌های توصیفی و سپس همبستگی و در ادامه تحلیل مسیر ارائه می‌شود. اطلاعات توصیفی شامل میانگین و انحراف استاندارد، بیشینه و کمینه در جدول (۱) ارائه شده است.

جدول ۱: شاخص‌های توصیفی متغیرهای تحقیق

متغیرها	میانگین	انحراف استاندارد	بیشینه	کمینه
تصور از خود	۸۸	۹/۶	۱۲۵	۷۱
تصور از خدا	۱۰۱	۷/۹	۱۲۰	۸۱
یاریگری خداوند	۳۵	۳/۴	۴۶	۲۷
حضور خداوند	۳۸	۳/۶	۴۶	۳۰
تصور منفی از خدا	۱۳/۳	۳/۳	۲۶	۶
رضایت از زندگی	۲۸/۶	۲/۶	۳۵	۱۲

برای بررسی متعادل بودن توزیع نرمات آزمودنی‌ها در متغیرهای مورد مطالعه از آزمون کولموگروف – اسمیرنوف استفاده گردیده که نتایج این آزمون در جدول ذیل ارائه شده است.

جدول ۲: نتایج آزمون کولموگروف – اسمیرنوف

-	تصور از خود	تصور از خدا	رضایت از زندگی
آماره Z	۰/۶۵	۰/۷۱	۱/۶۶
سطح معناداری	۰/۸۰	۰/۷۰	۰/۰۸

با توجه به نتایج جدول فوق که در آن مقدار آماره Z و سطح معناداری مشخص است، چون مقدار آماره Z برای هیچ‌یک از متغیرهای پژوهش معنادار نیست ($P > ۰/۰۵$)، می‌توان نتیجه گرفت توزیع متغیرها متعادل است و پیش فرض متعادل بودن توزیع متغیرها رعایت گردیده و می‌توان از آزمون‌های «پارامتریک» برای بررسی فرضیه پژوهش استفاده کرد.

در ادامه، اولین قدم در تحلیل مسیر، بررسی ماتریس همبستگی میان متغیرهای پژوهش است. برای بررسی همبستگی میان متغیرها از آزمون آماری همبستگی پیرسون استفاده شد که نتیجه آن در جدول (۳) مشاهده می‌گردد.

جدول ۳: ماتریس ضرایب همبستگی متغیرهای تحقیق

متغیرها	تصور از	تصور از خدا	مراقبت	حضور	تصور منفی از	رضایت از
تصور از خود	۱					
تصور از خدا	۰/۴۷**	۱				
یاریگری خداوند	۰/۶۷**	۰/۴۲**	۱			
حضور خداوند	۰/۷۰**	۰/۳۶**	۰/۷۵**	۱		
تصور منفی از خداوند	-۰/۲۰*	۰/۰۹	-۰/۱۹*	-۰/۱۳	۱	
رضایت از زندگی	۰/۴۰**	۰/۲۰**	۰/۴۰**	۰/۴۱**	-۰/۳۱**	۱

** P < 0.01 level * P < 0.05

همان گونه که در جدول (۳) ملاحظه می‌شود، بین متغیرهای پژوهش (تصور از خود و تصور از خدا و رضایت از زندگی) رابطه مستقیم و معناداری به دست آمد. مطابق نظر بارون و کنی (۱۹۸۶)، تحلیل‌های میانجی چند مرحله را سپری می‌کنند:

۱. وجود رابطه معنادار بین متغیر پیش‌بین و ملاک (تصور از خود و رضایت از زندگی) (**۰/۴۰)؛
۲. وجود رابطه معنادار بین متغیر پیش‌بین و میانجی (تصور از خود و تصور از خدا) (**۰/۴۷)؛
۳. وجود رابطه معنادار بین متغیر میانجی و ملاک (تصور از خدا و رضایت از زندگی) (**۰/۲۰)، که این امر امکان انجام تحلیل‌های رگرسیونی و تحلیل مسیر را فراهم آورد.

به منظور بررسی نقش واسطه‌ای تصور از خدا و خرده‌مقیاس‌های «حضور خداوند»، «یاریگری خداوند» و «تصور منفی از خدا» در رابطه تصور از خود و رضایت از زندگی، با بهره‌گیری از روش الگوسازی معادله ساختاری SEM از روش آماری «تحلیل مسیر» با استفاده از رگرسیون چندگانه به شیوه سلسله مراتبی بر اساس مراحل پیشنهادی بارون و کنی (۱۹۸۶) استفاده شد.

در مرحله اول، مطابق مرحله اول بارون و کنی (۱۹۸۶)، «تصور از خود» به مثابه پیش‌بینی کننده رضایت از زندگی وارد معادله رگرسیون شد و مقدار ضریب بتای رضایت از زندگی بر روی تصور از خود محاسبه شد. نتایج رگرسیون رضایت از زندگی بر تصور از خود در جدول شماره (۴) به صورت ضرایب استاندارد بتا مشخص شده است.

جدول ۴: رگرسیون رضایت از زندگی بر روی تصور از خود

مرحله اول	متغیر پیش	متغیر ملاک	B (بتا)	T	R	R2	F	P
	تصور از خود	رضایت از	۰/۴۰	۳/۸	۰/۴۰	۰/۱۵	۳/۳	۰/۰۲

همان گونه که در جدول فوق مشاهده می شود، ضرایب بتای به دست آمده (۰/۴۰)، مثبت و معنادار است. این تحلیل نشان می دهد: «تصور از خود» پیش بینی کننده مثبت و معناداری برای رضایت از زندگی دارد. بنابراین شرط اول واسطه ای بودن نیز برقرار است.

در مرحله دوم، مطابق با مراحل بارون و کنی (۱۹۸۶)، نقش تصور از خود در پیش بینی حضور خداوند، یاریگری خداوند و تصور منفی از خدا بررسی شد و مقدار ضریب بتای هر کدام از آنها بر روی تصور از خود محاسبه گردید. نتایج رگرسیون همزمان حضور خداوند، یاریگری خداوند و تصور منفی از خدا بر تصور از خود در جدول شماره (۵) به صورت ضرایب مسیر (بتا) مربوط به هر متغیر نشان داده شده است. این ضرایب بیانگر آن است که تصور از خود پیش بینی کننده معنادار حضور خداوند، یاریگری خداوند و تصور منفی از خداست. بنابراین شرط دوم واسطه ای بودن نیز برقرار است.

جدول ۵: رگرسیون خرده مقیاس های تصور از خدا بر روی تصور از خود

مرحله دوم	تصور از خود	متغیرهای ملاک		T	R	R2	F	P	
		حضور خداوند	۰/۷۰	۷/۵	۰/۵۲	۱۰/۸	۰/۳۳	۱۰۰۰	۰/۰۱
		یاریگری خداوند	۰/۶۷	۰/۱۱					
		تصور منفی از خداوند	-۰/۲۰	-۲/۵					

همان گونه که نتایج جدول نشان می دهد، «تصور از خود» حضور خداوند و یاریگری خداوند را - به ترتیب - با ضریب بتای ۰/۷۰ و ۰/۶۷ به طور مثبت و معنادار پیش بینی می کند و تصور منفی از خدا را با ضریب بتای (-۰/۲۰) به طور منفی پیش بینی می کند.

در مرحله سوم که با هدف تعیین نقش واسطه گری تصور از خدا در رابطه با تصور از خود با رضایت از زندگی صورت گرفت، متغیرهای «تصور از خود»، «حضور خداوند»، «یاریگری خداوند» و «تصور منفی از خدا» به مثابه پیش بینی کننده های رضایت از زندگی وارد معادله رگرسیون شد و رگرسیون همزمان رضایت از زندگی بر روی تصور از خود، حضور خداوند، یاریگری خداوند و تصور منفی از خدا محاسبه شد. نتایج رگرسیون «رضایت زندگی» در جدول شماره (۶) به صورت ضرایب استاندارد بتا مربوط به هر متغیر ارائه شده است.

جدول ۶: رگرسیون رضایت از زندگی بر روی تصور از خود و خرده مقیاس های تصور از خود

مرحله سوم	تصور از خود	حضور خداوند	یاریگری خداوند	تصور منفی از خداوند	متغیرهای پیش بین		T	R	R2	F	P	
					رضایت از زندگی	۰/۱۵	۴	۰/۷۲	۴۰	۰/۵۲	۱۰۰۰	۰/۰۳
					رضایت از زندگی	۰/۵۴	۵/۹					
					رضایت از زندگی	۰/۵۶	۶/۴					
رضایت از زندگی	-۰/۱۳	-۰/۲										

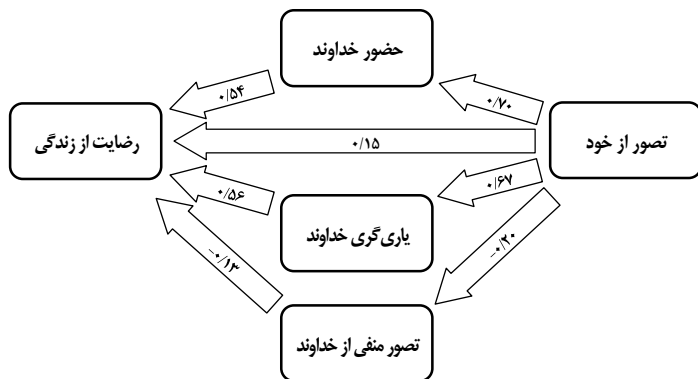
در مرحله آخر، ضرایب مسیر بتای «تصور از خود» در مرحله اول، وقتی به تنهایی وارد معادله شد $0/40$ بود و در مرحله سوم وقتی با خردهمقیاس‌های «حضور خداوند»، «یاریگری خداوند» و «تصور منفی از خدا» وارد معادله شد به $0/15$ کاهش معناداری پیدا کرد. بنابراین، مطابق روش بارون و کنی (۱۹۸۶)، چنانچه با ورود متغیر واسطه‌ای «حضور خداوند»، «یاریگری خداوند» و «تصور منفی از خدا» به معادله رگرسیون، ضرایب رگرسیون متغیر پیش‌بین «تصور از خود» از مرحله اول به مرحله سوم کاهش یابد، نقش واسطه‌ای تأیید می‌شود. با این وجود، کاهش معنادار ضریب بتا ($0/25$) بیانگر نقش واسطه‌ای متغیر حضور خداوند، یاریگری خداوند و تصور منفی از خدا در ارتباط با تصور از خود و رضایت از زندگی بود.

همان‌گونه که در جدول فوق مشاهده می‌شود، اگرچه با ورود متغیر «حضور خداوند»، «یاریگری خداوند» و «تصور منفی از خدا» در مرحله سوم، ضرایب بتای «تصور از خود» بر روی «رضایت از زندگی» در مرحله اول کاهش یافت و این نشان از نقش واسطه‌ای «تصور از خدا» داشت، اما رابطه میان «تصور از خود» و «رضایت از زندگی» همچنان به طور مثبت و ضعیف باقی ماند.

این موضوع بیانگر آن است که «تصور از خدا»، هم به صورت مستقیم و هم با واسطه تصور از خدا می‌تواند رضایت از زندگی را پیش‌بینی کند. به عبارت دیگر، اگر مسیر مستقیم متغیر مستقل (تصور از خود) به متغیر وابسته (رضایت از زندگی) همچنان معنادار باشد، یعنی متغیر مستقل به‌طور همزمان از هر دو مسیر مستقیم و غیر مستقیم بر متغیر وابسته تأثیر بگذارد، در این صورت نقش واسطه‌گری جزئی تأیید می‌شود.

شکل (۲) نشان‌دهنده نتایج نهایی الگوی پژوهش است. در این الگو- همان‌گونه که ملاحظه می‌شود- تصور از خود، هم از مسیر مستقیم و هم از مسیر غیر مستقیم و از طریق متغیر «حضور خداوند»، «یاریگری خداوند» و «تصور منفی از خدا» پیش‌بینی کننده رضایت از زندگی هستند.

شکل ۲: الگوی نقش واسطه‌ای تصور از خدا در رابطه تصور از خود و رضایت از زندگی.



همان‌گونه که در الگوی فوق مشاهده می‌شود، یافته‌های برآمده از اجرای مراحل بارون و کنی (۱۹۸۶) برای بررسی مسیرهای موجود در الگوی پژوهش، نقش واسطه‌گری جزئی «تصور از خدا» را تأیید نمود و نشان داد تصور از خود

به صورت مستقیم پیش‌بینی مثبت ضعیفی (۰/۱۵) برای رضایت از زندگی دارد و به صورت غیر مستقیم و از مسیر خرده‌مقیاس حضور خداوند (۰/۳۸) و از مسیر یاریگری خداوند (۰/۳۷)، پیش‌بینی مثبت و معناداری برای رضایت از زندگی دارد و از مسیر تصور منفی از خداوند (۰/۰۲۶)، پیش‌بینی منفی برای رضایت از زندگی داشت.

بنابراین، متغیر برون‌زای «تصور از خود» به صورت مستقیم بر متغیر درون‌زای «رضایت از زندگی» پیش‌بینی معنادار ضعیفی (۰/۱۵) دارد و به صورت غیر مستقیم و از مسیر متغیر «تصور از خدا» پیش‌بینی مثبت معناداری (۰/۷۸) برای رضایت از زندگی داشت.

در جدول شماره (۷) ضرایب استاندارد مستقیم، غیر مستقیم و اثر کل متغیرهای موجود در الگو نشان داده شده است.

جدول ۷: برآورد ضرایب استاندارد مسیر مستقیم، غیر مستقیم، اثر کل الگوی رضایت از زندگی

مسیر	اثر مستقیم	اثر غیر مستقیم	اثر کل
مسیر تصور از خود به حضور خداوند	۰/۷۰	-	۰/۷۰
مسیر تصور از خود به یاریگری خداوند	۰/۶۷	-	۰/۶۷
مسیر تصور از خود به تصور منفی از خداوند	-۰/۲۰	-	-۰/۲۰
مسیر تصور از خود به رضایت از زندگی	۰/۱۵	۰/۷۸	۰/۷۰
مسیر حضور خداوند به رضایت از زندگی	۰/۵۴	-	۰/۵۴
مسیر یاری‌گری خداوند به رضایت از زندگی	۰/۵۶	-	۰/۵۶
مسیر تصور منفی از خدا به رضایت از زندگی	-۰/۱۳	-	-۰/۱۳

بحث و نتیجه‌گیری

هدف پژوهش حاضر بررسی نقش واسطه‌ای «تصور از خدا» در رابطه میان «تصور از خود» و «رضایت از زندگی» بود. نتایج این پژوهش نشان داد متغیر «تصور از خدا» در رابطه میان «تصور از خود» با «رضایت از زندگی» نقش واسطه‌ای دارد. در واقع، نتایج نشان داد افزون بر اینکه «تصور از خود» پیش‌بینی مثبت و ضعیفی بر روی رضایت از زندگی دارد، به طور غیر مستقیم از مسیر «متغیرهای حضور خداوند» و «یاریگری خداوند» پیش‌بینی مثبت و معناداری و از مسیر تصور منفی از خدا پیش‌بینی منفی بر روی رضایت از زندگی دارد.

همسویی پژوهش با یافته‌های مشابه پیشین

از یافته‌های پژوهش حاضر این بود که «تصور از خود» به طور مثبت و ضعیف رضایت از زندگی را پیش‌بینی کرد. این یافته همسو با نتایج پژوهش‌های چانگ و سینتا (۲۰۰۳)، دیو و هوبنر (۱۹۹۳)، لیونگ و زانگ (۲۰۰۰)، لیونگ و همکاران (۲۰۰۰)، تری و هوبنر (۱۹۹۵)، میلر و همکاران (۲۰۱۹) است.

در تبیین این یافته می‌توان گفت: «رضایت از زندگی» عموماً به‌مثابه «ارزشیابی شناختی فرد از زندگی» تعریف می‌شود (داینر و همکاران، ۱۹۸۵) و ارزشیابی شناختی متأثر از عوامل متعددی (مانند متغیرهای محیطی، خانوادگی، جمعیت‌شناختی و به‌ویژه تصور از خود) است. افرادی که تصور از خود مثبت و بالایی گزارش می‌دهند، با اطمینان و

موفقیت بیشتری در موقعیت‌های چالش برانگیز زندگی حاضر می‌شوند. این امر سبب کاهش واکنش‌های هیجانی و رفتارهای منفی نسبت به عوامل تنش‌زای زندگی می‌شود و در نتیجه موجب «رضایت از زندگی» می‌شود. افراد دارای تصور از خود مثبت، خود را توانمند، ارزشمند و واجد توانایی مهار زندگی می‌دانند و دارای ویژگی‌های مثبتی (مثل اعتماد به نفس، جرئت ابراز عقیده، خودکارآمدی، مهارت حل مسئله و مدیریت بحران) هستند.

در نتیجه با کسب این مهارت‌ها، آنها قادر خواهند بود با تکیه بر این توانایی‌ها، بدون نگرانی و تشویش خاطر، مقاومت خود را در مقابل چالش‌های زندگی حفظ نمایند و مشکلات زندگی را به نحو احسن حل کنند و به این وسیله از زندگی خود رضایت بیشتری داشته باشند (جاج، ارز، بونو و تورسن، ۲۰۰۳).

در مقابل، افرادی که دارای تصور پایینی از خود هستند خود را کم‌ارزش می‌بینند و بر شکست‌ها و کاستی‌های خود تمرکز می‌کنند و بیشتر هنگام روبه‌رو شدن با مشکلات و چالش‌های زندگی با شکست مواجه می‌شوند که این امر منجر به کاهش رضایت از زندگی می‌شود (جاج، ۲۰۰۷).

یافته دیگر پژوهش نشان داد «تصور از خود» پیش‌بینی مثبت و معناداری برای خرده‌مقیاس‌های «تصور از خدا» (شامل حضور خداوند و یاریگری خداوند) دارد و پیش‌بینی منفی برای تصور منفی از خداوند دارد. این یافته همسو با نتایج پژوهش‌های گرینوی و همکاران (۲۰۰۳)، لسلی (Leslie) و همکاران (۲۰۰۱)، بنسون و اسپیلکا (۱۹۹۷)، غباری بناب و کوهسار (۱۳۸۸) است.

گرینوی و همکاران (۲۰۰۳) در پژوهش خود به این نتیجه رسیدند که بین تصور فرد از خودش با تصور فرد از خدا همبستگی معناداری وجود دارد. افرادی که خودشان را دوست دارند و می‌پذیرند، از این احساس برخوردارند که خداوند از آنها مراقبت می‌کند و از نیازشان آگاه است. لسلی و همکاران (۲۰۰۱) نشان دادند رابطه مثبتی بین تصور از خود بالا و تصور از خدا به‌مثابه خداوند بخشنده و مهربان وجود دارد و رابطه مثبت معناداری بین تصور از خود پایین و خدای تنبیه‌کننده و بی‌رحم وجود دارد.

بنسون و اسپیلکا (۱۹۹۷) دریافتند هرچه تصور از خود بالاتر باشد تصور از خدا مثبت‌تر است و خداوند حمایت‌کننده، مهربان و قدرتمند احساس می‌شود. غباری بناب و کوهسار (۱۳۸۸) به این نتیجه رسیدند افرادی که تصورشان از خودشان منفی و بدبینانه است دیدشان به خدا هم بدبینانه است و خداوند را بیشتر تنبیه‌کننده می‌دانند. لارنس (۱۹۹۷) اعتقاد که تصور فرد از خداوند بر اساس تصویری که فرد از خودش دارد شکل می‌گیرد.

نظرگاه اسلامی

در روایات اسلامی این یافته‌ها تأیید شده است و تصور و شناختی که فرد از خودش دارد مقدمه‌ای برای شناخت و تصور از خداوند بیان شده است. پیامبر اکرم ﷺ در این باره می‌فرماید: «کسی که خود را شناخت، خدایش را می‌شناسد» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۲، ص ۳۲). بدین‌روی کسی که تصور بالایی از خود داشته باشد و خود را بهتر بشناسد تصور و شناختش از خداوند هم مثبت و بالاتر است.

همچنین امام علی علیه السلام می‌فرمایند: «در عجبم از کسی که خود را نمی‌شناسد، چطور می‌خواهد پروردگارش را بشناسد؟!» (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰، ص ۴۶) یعنی: کسی که تصورش از خودش پایین و منفی باشد و خودش را به خوبی نشناسد، تصورش از خداوند هم پایین و منفی است و خدای خود را به خوبی نمی‌شناسد. در تبیین این یافته می‌توان گفت: افراد نوع تصور و برداشتی را که نسبت به خودشان دارند در خداوند بازتابی کرده، به او تعمیم می‌دهند. اگر بر مبنای تجربیات دوران تحول، تصور مثبت و بالایی از خود را تجربه کرده باشند، نوع تصورشان نسبت به خداوند مثبت، در دسترس، یاریگر، خیرخواه و بخشنده است و با او رابطه‌ای صمیمانه برقرار می‌کنند، خداوند را اولین مددکاری می‌دانند که در مشکلات به یاری آنها می‌آید. کسی که خود را در هاله‌ای از لطف پروردگار رحمان و رحیم می‌یابد و او را همواره به خویش نزدیک و حتی به تعبیر قرآن، از رگ گردن به خود نزدیک‌تر می‌بیند (ق: ۱۶)، هیچ‌گاه احساس بی‌پناهی و طردشدگی نمی‌کند و این طرز تلقی به انسان آرامش می‌دهد و افراد وابسته به این بینش رضایت از زندگی بالاتری را تجربه می‌کنند. به عکس، اگر در دوران تحول، تصور منفی و معیوبی از خود شکل گرفته باشد، این الگوی درونی خود را درباره خداوند بازتابی می‌کند و خداوند را منفی، غیر قابل اعتماد و دور از دسترس تصور می‌کند و از لحاظ عاطفی، آمادگی نزدیک شدن به او را ندارند و از او دوری می‌گزینند (کرکپاتریک و شیور، ۱۹۹۲).

درخصوص نقش واسطه‌ای «تصور از خدا» در رابطه میان «تصور از خود» و «رضایت از زندگی» نتایج برآمده از تحلیل رگرسیون چندگانه، حاکی از موجه بودن الگو و معناداری نقش واسطه‌ای «تصور از خدا» در رابطه میان «تصور از خود» و «رضایت از زندگی» بود. به عبارت دیگر، این یافته‌ها نشان داد «تصور از خود»، هم به صورت مستقیم و هم به صورت غیر مستقیم با واسطه حضور خداوند، و یاریگری خداوند پیش‌بینی مثبت و معناداری و با واسطه تصور منفی از خداوند پیش‌بینی منفی با رضایت از زندگی دارد.

در بخش رابطه مستقیم تصور از خود با رضایت از زندگی و همچنین با تصور از خدا در تبیین‌های قبلی به طور جداگانه بحث شد و یافته‌های به دست آمده همسو با نتایج پژوهش‌های پیشین، این یافته‌ها را تأیید نمود. اما در زمینه تبیین نقش واسطه‌ای «تصور از خدا» در رابطه میان «تصور از خود» و «رضایت از زندگی»، می‌توان از نظریه «هماهنگی شناختی» استفاده کرد.

بر اساس این نظریه تصور افراد از خودشان در اینکه آنها خداوند را چگونه ببینند، تأثیر می‌گذارد. داده‌هایی که به طور ضمنی، با تصور از خود افراد در تضاد است، ناهماهنگی شناختی ایجاد می‌کند. برای کم کردن این آشفتگی روان‌شناختی ایجاد شده - توسط این ناهماهنگی - ممکن است افراد از فزونی همچون «تحریف یا درک گزینشی برای اطمینان یافتن از اینکه اطلاعات هماهنگ با تصور خود آنهاست» استفاده کنند.

بر این اساس، اگر افراد تصورشان از خودشان منفی باشد، تصور مثبت از خدا برای آنها آشفتگی روان‌شناختی ایجاد می‌کند. بنابراین دست به تحریف شناختی یا درک گزینشی می‌زنند تا نوع تصور از خدا را با تصور از

خودشان هماهنگ کنند. در صورتی که تصور فرد از خودش بالا باشد این از نظر شناختی، با یک تصور مهربان، در دسترس و یاریگر از خداوند همخوان تر است (خاکساری، خسروی، ۱۳۹۱، به نقل از: اسپیلکا و بنسون).

به تعبیر دیگر می‌توان گفت: دریافت‌های مردم از خداوند در دو الگوی کلی جای می‌گیرد: در الگوی اول، اشخاصی که تصور منفی و پایین از خود دارند، تصور منفی از خداوند دارند و او را خشمگین و غضبناک تصور می‌کنند و نمی‌توانند با چنین خداوندی ارتباط برقرار کنند. این افراد رضایت از زندگی پایینی را گزارش می‌دهند.

در مقابل، افرادی که تصور مثبت و بالایی از خود دارند خداوند را بخشنده، دوست، در دسترس و قابل اعتماد می‌بینند و با او ارتباط صمیمانه و گرمی برقرار می‌کند. در نتیجه رضایت از زندگی بالاتری را گزارش می‌دهند (پارگامنت، ۱۹۹۷). این افراد به حضور خداوند و یاری رساندن او در زندگی معتقدند و خواست خداوند در رخدادهای زندگی را مؤثر می‌دانند و به او اعتماد می‌کنند (کاشفی و حدادی کوهسار، ۱۳۹۴). بنابراین به دشواری‌ها و رنج‌های که در زندگی برای آنان پیش می‌آید به‌عنوان فرصت‌هایی برای رشد و تعالی خود می‌نگرند و با موفقیت آنها را پشت سر می‌گذارند. در نتیجه رضایت از زندگی بالایی را تجربه می‌کنند (پارگامنت، ۱۹۹۷).

محدودیت‌های پژوهش

جامعه پژوهش حاضر از بین دانش‌پژوهانی بود که همگی در کنار دروس دانشگاهی، از طلاب حوزه علمیه بودند که تصور نسبتاً بالایی از خدا داشتند که همین می‌تواند تعمیم‌پذیری را با مشکل مواجه کند. بنابراین تعمیم نتایج به سایر مجامع باید با احتیاط صورت گیرد.

همچنین نمونه پژوهش تنها از مردان تشکیل می‌شد که به علت تفاوت جنسیتی میان زن و مرد می‌تواند بر نتایج تأثیرگذار باشد. از این رو پیشنهاد می‌شود پژوهش‌های آینده نقش مشاغل گوناگون و جنسیت را مد نظر قرار دهد. چون متغیر «تصور از خدا» با تعداد زیادی از متغیرهای روان‌شناختی ارتباط دارد، می‌توان در پژوهش‌های آینده ارتباط آن را با متغیرهای روان‌شناختی مرتبط سنجید و با قیاس نتایج پژوهش‌ها به نتایج کامل‌تری دست یافت. روان‌شناسان و مشاوران می‌توانند با پژوهش و آموزش و ارتقای سطح تصور از خدا منجر به افزایش رضایت از زندگی افراد شوند.

منابع

- اصفهانیان، محمود و همکاران، ۱۳۹۶، «تدوین برنامه آموزشی شکر مبتنی بر مفهوم شکر اسلامی و بررسی کارآمدی آن بر رضایت از زندگی»، *پژوهش‌نامه روان‌شناسی اسلامی*، ش ۱، ص ۱۰۰-۱۳۳.
- ایل بیگی، رضا و همکاران، ۱۳۹۷، «نقش سبک‌های مقابله‌ای و تنظیم هیجان در پیش‌بینی رضایت از زندگی»، *مجله روانشناسی، علوم اجتماعی و علوم تربیتی*، ش ۳، ص ۱-۸.
- برآبادی، حسین احمد، ۱۳۹۳، *تدوین و بررسی اثربخشی الگوی مشاوره‌ای اسما حسنی بر اصلاح تصور از خدا و کاهش استرس، اضطراب و افسردگی*، پایان‌نامه دکتری، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی، دانشگاه علامه طباطبائی.
- پورسید آقایی، زهرا السادات، و همکاران، ۱۳۹۴، «تدوین الگوی مشاوره‌ای خودپنداره مبتنی بر مبانی انسان‌شناسی جواد املی و بررسی اثربخشی آن بر تغییر خودپنداره»، رساله دکتری، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی، دانشگاه علامه طباطبائی.
- تیمی امدی، عبدالواحدین محمد، ۱۴۱۰ق، *غور الحکم و درر الکلم*، قم، دارالکتاب الإسلامی.
- خاکساری، زهرا و زهره خسروی، ۱۳۹۱، «خدا؛ و تصور مثبت و منفی از او و رابطه آن با عزت نفس و سلامت روانی دانش‌آموزان»، *روان‌شناسی و دین*، ش ۲، ص ۸۳-۹۸.
- سالاروند، ابراهیم و همکاران، ۱۳۹۴، «نقش واسطه‌ای قدردانی معیار مرجع (شکرگزاری دینی) در رابطه بین قدردانی هنجار مرجع با رضایت از زندگی»، *اسلام و پژوهش‌های روان‌شناختی*، ش ۱، ص ۷۱-۸۴.
- شیخی، منصوره و همکاران، ۱۳۹۰، «شخصه‌های روان‌سنجی مقیاس رضایت از زندگی»، *اندیشه و رفتار روان‌شناسی بالینی*، ش ۴، ص ۱۷-۲۶.
- صادقی، منصوره السادات و محمدعلی مظاهری، ۱۳۸۷، «والدین، خود و دیگران مهم: منابع تصور از خدا»، *مجله علوم رفتاری*، ش ۱، ص ۸۳-۹۶.
- غباری بناب، باقر و علی اکبر حدادی کوهسار، ۱۳۸۸، «رابطه اضطراب و افسردگی با تصویر ذهنی از خدا در دانشجویان»، *علوم روانشناختی*، ش ۳۱، ص ۲۹۷-۳۱۴.
- فیض آبادی، سلیمه و زهره خسروی، ۱۳۸۸، «مقایسه تصور از خدا و رضایت از زندگی در بین زنان خواهان طلاق و غیرخواهان طلاق شهرستان کاشان»، *رویکردهای نوین آموزشی*، ش ۲، ص ۱-۱۰.
- کاشفی، طیبه و علی اکبر حدادی کوهساری، ۱۳۹۴، «پیش‌بینی رضایت از زندگی بر اساس تصور فرد از خدا در دانشجویان علوم پزشکی»، *علوم روانشناختی*، ش ۵۳، ص ۱۱۰-۱۲۰.
- مجلسی، محمدباقر، ۱۴۰۳ق، *بحار الأنوار*، بیروت، دارالاحیاء التراث العربی.
- نجات، آسیه و همکاران، ۱۳۹۳، «بررسی نقش تصور از خود در رابطه میان دلبستگی ادراک شده با سلامت روانی در دانشجویان»، *مطالعات روانشناختی*، ش ۴، ص ۷۳-۹۹.
- Adler, M. G., & Fagley, N. S, 2005, "Appreciation: Individual differences in finding value and meaning as a unique predictor of subjective well-being", *Journal of personality*, No. 73(1), p. 79-114.
- Baron, R. M., & Kenny, D. A, 1986, "The moderator-mediator variable distinction in social psychological research: Conceptual, strategic, and statistical considerations", *Journal of Personality and Social Psychology*, No. 51(6), p. 1173-1182.
- Baumeister, R.F, 1997, "Identity, self-concept, and self-esteem: The self lost and found", In: R.Hogan & J.A. Johnson(Eds), *Handbook of personality Psychology*, p.681-710, San Diego, CA:Academic Press.
- Beck, A.T. Steer, R.A. Epstein, N, 1992, "Selfconcept dimensions of clinically depressed and anxiety outpatients", *Journal of clinical psychology*, No. 4, p. 423-432.
- Chang, L., McBride-Chang, C., Stewart, S., & Au, E, 2003, "Life satisfaction, self-concept, and family relations in Chinese adolescents and children", *International Journal of Behavioral Development*, No. 27(2), p. 182-189.

- Diener, E., 2000, "Subjective well-being: The science of happiness and a proposal for a national index", *American psychologist*, No. 55(1), p. 34-43.
- Diener, E., Emmons, R. A., Larsen, R. J., & Griffin, S., 1985, "The satisfaction with life scale", *Journal of Personality Assessment*, No. 49, p. 71-75.
- Diener, E., Scollon, C. N., & Lucas, R. E., 2003, "The Evolving Concept of Subjective Well-Being: The Multifaceted Nature of Happiness", *Advances in Cell Aging and Gerontology*, No. 15, p. 187-219.
- Feizabadi, S., & Khosravi, Z., 2009, "Comparison of the concept of God and life satisfaction in divorcing and non-divorcing couples in Kashan", *Journal of Reaserch on Religion & Health*, No. 4(2), p. 1-12.
- Gibson, D. M., 1987, "Interaction and well-being in old age: Is it quantity or quality that counts?", *The international journal of aging and human development*, No. 24(1), p. 29-40.
- Greenway, P.H. Milne, L. C. & Clarke, V., 2003, "Personality variables, self – esteem and depression and an individual s perception of god", *Journal of mental health, religion & culture*. No. 6(1), p.45-58.
- Grimes, C., 2008, "Chapter 2. God Image Research: A Literature Review", *Journal of Spirituality in Mental Health*, No. 9 (3-4), p. 11-32.
- Judge, T. A., 2007, "Do the core selfevaluations moderate the relationship between subjective well-being and physical and psychological health?", *Personality Individual Differences*, No. 42, p. 1441-1452.
- Judge, T. A., Erez, A., Bono, J. E., & Thoresen, C. J., 2003, "The core self- evaluations scale: Development of a measure", *Personal Psychology*, No. 56, p. 303-331.
- Khosravi, Z. Feyzabadi, S., 2009, "Types of attachment and God's image among divorce-seeking and non-divorce-seeking women of Kashan", *Journal of New Thoughts on Education*, No. 19, p. 37-54.
- Kirkpatrick, I. A., & Shaver, P. R., 1992, "An attachment-theoretical approach to romantic love and religious belief", *Society for Personality and Social Psychology*, No. 18, p. 266-275.
- Lawrence, R. T., 1997, "Measuring the Image of God: The God image inventory and the God image scales", *Journal of Psychology and Theology*, No. 25(2), p. 214-226.
- Leung, J. P., & Leung, K., 1992, "Life satisfaction, self-concept, and relationship with parents in adolescence", *Journal of Youth and adolescence*, No. 21(6), p. 653-665.
- McCullough, M. E.; Emmons, R. A.; Tsang, J., 2002, "The Grateful Disposition: A Conceptual and Empirical Topography", *Journal of Personality and, Social Psychology*, No.82, p. 112-127.
- Miller, B. K., Zivnuska, S., & Kacmar, K. M., 2019, "Self-perception and life satisfaction", *Personality and Individual Differences*, No. 139, p. 321-325.
- Mollazamani, A., 2008, "The effect of role-play training on improving self-concept in adolescents", *International Journal of Behavioral Sciences*, No, 2(1), p. 61-66.
- Palacios, E. G., Echaniz, I. E., Fernández, A. R., & De Barrón, I. C. O., 2015, "Personal self-concept and satisfaction with life in adolescence, youth and adulthood", *Psicothema*, No. 27(1), p. 52-58.
- Pargament, K. I., 1997, *The psychology of religion and Guilford Press*.
- Pavot, W.; Diener, E., 2013, "Happiness Experienced: The Science of Subjective Well-being", in: Susan A. David, Ilona Boniwell, and Amanda Connley Ayers (Eds.), *The Oxford Handbook Of Happiness, Oxford University Press*, p. 134-154.
- Sousa, L. & Lyubomirsky, S., 2001, "Life satisfaction", in: J. Worell (Ed), *Encyclopedia at women and gender: Sex similarities and difference*, p 667 – 676.
- Wästlund, E., Norlander, T., & Archer, T., 2001, "Exploring cross-cultural differences in self-concept: A meta-analysis of the Self-Description Questionnaire-1", *Cross-Cultural Research: The Journal of Comparative Social Science*, No. 35(3), p. 280-302.
- Willits, F. K., & Crider, D. M., 1988, "Religion, race and psychological well-being", *Journal of the Scientific Study of Religion*, No. 23, p. 351-362.

